



## کشف گورهای دسته جمعی و نظریات عوام فریبانه داکتر رسول رحیم

اخیراً گور دسته جمعی دیگری در ساحه دشت چمتله کشف گردید و پرده از روی گوشه دیگری از جنایات هولناک دولت ننگین خلقی - پرچمی ها و بادران فاشیست آن یعنی سوسیال امپریالیستهای شوروی برداشته شده و هرچه بیشتر ماهیت این مزدوران و بادران شانرا آشکار ساخت .

در طول بیش از پنج سال که از موجودیت دولت دست نشانده کرزی سپری میشود ، تا حال چندین گورهای دسته جمعی کشف گردیده و در رسانه های گروهی انعکاس داده شده است . گرچه کشف و افشاء گورهای دسته جمعی یک امر خوب است و باعث آن میشود که مردم افغانستان بیشتر به ماهیت ننگین و جنایت کارانه عاملین و مرتکبین این جنایات وحشیانه آشنائی حاصل نمایند ، اما! سوال در اینجا است که دولت دست نشانده که خودش عامل هزاران نوع جنایت، آدمکشی و قتل عام مردم بیگناه افغانستان است، چطور حاضر میشود دست به کشف گورهای دسته جمعی بزند؟ آیا جنایات و قتل های دسته جمعی که توسط دولت دست نشانده کرزی و حامیان بین المللی آن امپریالیسم جنایت کار امریکا و قوای ناتو صورت میگیرد، کمتر از جنایات خلقی - پرچمی ها ، اخوانی ها و طالبان است؟ آیا کشتار دسته جمعی چند هزار از طالبان اسیر در زندان قرون وسطائی شیرغان و قتل عام آنها توسط دوستم و شرکای جرمش در کانتینر ها کمتر از جنایات خلقی پرچمی هاست؟ آیا بمباردمان مناطق مسکونی در شرق ، غرب و جنوب افغانستان که هر روز ده ها نفر اعم از مرد و زن ، طفل و جوان و پسر و دختر از بین میروند کمتر از کشتار مردم بوسيله همپالگی های خلقی - پرچمی ، اخوانی و طالبی شان است؟ این قتلها همه باهم ارتباط ناگسستگی دارند و همه آنها از محور امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و نوکران بومی آنها خلقی - پرچمی ها ، اخوانی ها ، طالبی ها و کرزئی ها صورت گرفته و میگیرد .

کشف گورهای دسته جمعی از طرف دولت دست نشانده بخاطر آن صورت میگیرد تا توجه مردم را از قتل و قتل مردم مظلوم افغانستان که توسط دولت دست نشانده کرزی و بادران بین المللی آن صورت میگیرد (بویژه که در چند روز اخیر بیش از سه صد نفر افراد ملکی توسط بمباران هوایی امپریالیسم امریکا و قوای ناتو کشته شده اند) بطرف دیگری معطوف نماید . تا مردم متوجه اعمال جنایت کارانه دولت دست نشانده و بادران امپریالیست آن نشوند . آنها تنها با کشف گورهای دسته جمعی اکتفا نمی کنند بلکه یک عده باصطلاح صاحب نظران اجبر شده را و میدارند تا پیرامون این مسأله دست به تبلیغات گمراه کننده زده و باصطلاح آنرا از دیدگاه حقوق بشر ارزیابی ، تجزیه و تحلیل نمایند و بر چشم مردم خاک بریزند .

بیا ئید مقاله اخیر دوکتور رسول رحیم یکی از نویسندگان بورژوا دموکرات افغانستان را که در ارتباط کشف گورهای دسته جمعی نگاشته شده است به ارزیابی بگیریم تا ماهیت ایدئولوژی بورژوازی ارتجاعی موصوف آشکار گردد مقاله مذکور در صفحه گفتمان نشر گردیده است .

www.Goftaman.com

دکتور رسول رحیم

12/7/ 2007

کشف گورهای دسته جمعی و مسأله حقوق بشر

دوکتور رسول رحیم این پهلوان پنبه بورژوا دموکرات های افغانستان مقاله خویش را با نقل قولی از عزیزالرحمان رفیعی آغاز مینماید :

" اقدامی که پارلمان افغانستان در مورد عفو جنایت کاران جنگی گذشته کرده است ، یک اقدام کاملاً غیر انسانی ، غیر اسلامی و غیر اخلاقی است بسیار بهتر میبود که پارلمان به عوض آن طرح ، پیشنهاد دیگری را به میان میکشید که کسانی که مرتکب جنایت شده اند ، میبایست رسماً از مردم افغانستان معذرت بخواهند و خواهش بکنند که مردم افغانستان آن هارا ببخشند . " (عزیزالرحمان رفیعی)

گرچه این نقل قول هم مانند سخنان خود داکتر رسول رحیم کدام محتوا و مضمون حایز اهمیتی ندارد با آنها بخاطر آشکار شدن ماهیت ارتجاعی این نظریات آنرا حلاجی می نمایم . نویسنده اقدام اخیر پارلمان را صرف "یک اقدام کاملاً غیر انسانی ، غیر اسلامی و غیر اخلاقی " میخواند در حالیکه واقعیت اینست که پارلمان افغانستان یک پارلمان

فرمایشی دولت دست نشانده امپریالیسم امریکا و قوای ناتو چیزی بیش نیست و نباید از چنین پارلمان پوشالی وفادار مشروعیت چیز دیگری توقع داشت. اکثریت کسانیکه به پارلمان راه یافته اند یا خود از جمله جنایت کاران جنگی و جنایت کاران علیه بشریت هستند و یا همکار و همیار جنایت کاران جنگی میباشند. بناً اقدام اخیر پارلمان نه تنها یک اقدام غیر انسانی و غیر اخلاقی است بلکه یک اقدام جنایت کارانه، ضدملی و ضد مردمی نیز است که به حمایت دولت دست نشانده کرزی، امپریالیسم امریکا و قوای ناتو صورت گرفته است.

نویسنده با وجودی که اقدام اخیر پارلمان را یک اقدام غیر انسانی غیر اسلامی و غیر اخلاقی میدانم اما در برابر آن چنین کرنش مینماید که " بهتر میبود که پارلمان به عوض آن طرح پیشنهاد دیگری را به میان میکشید که کسانی که مرتکب جنایت شده اند میبایست رسماً از مردم افغانستان معذرت بخواهند و خواهش بکنند که مردم افغانستان آنها را بیخشند"

توجه کنید چقدر پوچ و سبک سرانه و تاجچه حد ناانصافانه و ظالمانه است که نویسنده از کسانیکه عمل غیر انسانی و غیر اخلاقی را انجام داده اند (بعبارت دیگر گروه ها و دولتها بیکه در طی سه دهه مرتکب فجیع ترین قتلها و شنیعترین جنایت و تجاوزات علیه مردم افغانستان شده اند- تذکر از نویسنده است) آرزو دارد که آن ها از مردم عفو بخواهند و گویا مورد بخشش قرار گیرند. در این جا به وضاحت آشکار میگردد که نویسنده با جنایت کاران سر آشتی دارد و خواهان عفو و بخشش آن هاست نه خواهان مجازات و به محکمه کشا نیدن آن ها. و این نظر در موردش به هیچ گرفتن خون حدود دومیون انسان بیگناه است که در طی سه دهه بوسیله خلقی پرچمی ها و سایر مزدوران روسی و گروه های جهادی و طالبی و بادران خارجی شان بقتل رسیده اند و بعلاوه انواع جنایات سخیف دیگری که این گروه های مزدور اجنبی علیه مردم انجام داده اند.

ببینیم که داکتر صاحب رسول رحیم "بخوان پهلوان پنبه و نابغه دوران ! " چه درسفته است: " مهمترین اصلی که حقوق بشر به آن پایبند میباشند، دفاع از کرامت انسانی همه انبای بشر و تأمین عدالت انسانی است که در آن پای تعجیز، تحقیر، شکنجه و اعمال خلاف حقوقی مطرح نباشد بنابراین هرگونه محکمه صحرایی و بدون حضور وکیل مدافع، محاکمات فراتقانونی و قتل و اعدام های خودسرانه بنا بر هردلیلی که باشند مطابق به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق های پیوست با آن و کنوانسیون اسرای جنگی مردود میباشند و مرتکبین آن مجرم شناخته شده و قابل مواخذة و مجازات دانسته می شوند."

آقای رسول رحیم میخواهد همه مسایل را از دیدگاه حقوق بشر مطرح نماید. اما پروا ضح است که دیدگاه حقوق بشر او همانا دیدگاه حقوق بشر امپریالیستی است و هر حرکتی که صورت میگیرد هرگاه مطابق میل امپریالیست ها نباشد آنرا مردود دانسته و آنرا ضدا اعلامیه جهانی حقوق بشر قلمداد مینمایند. ولی آقای رسول در برابر جنایات امپریالیست ها و دولت دست نشانده سکوت اختیار میکند و هیچ به روی مبارک خویش نمی آورد. بر همه واضح است که اعمال جنایت کارانه رژیمهای پوشالی خلقی- پرچمی، اخوانی، طالبی و کرزئی همه ضد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های پیوست آن میباشند و باید مرتکبین آن محاکمه شده و مورد مجازات قرار گیرند و داکتر صاحب کدام چیز تازه ی در این مورد نگفته است. پای داکتر صاحب زمانی در گل بند میماند که مشار الیه میخواهد جنایات را صرف به دوران حاکمیت خائنه خلق و پرچم، ائتلاف شمال، طالبان و گروه دوستم محدود سازد در حالیکه ائتلاف شمال و دوستم بخشی از حاکمیت دولت دست نشانده کرزی را تشکیل میدهد و جنایات آنها جزئی از جنایات دولت دست نشانده و حامیان بین المللی آن میباشند. وقتی پای جنایت دولت دست نشانده، امپریالیسم امریکا و قوای ناتو در میان است مذکور باخت و خواری ترجیح میدهد که لب سر لب بگذار دویا به شکلی آنرا توجیه نموده و گناه آنرا به گردن دیگری اندازد. در جای دیگری می نویسد: " ... تفاوت در این قتل عام ها انگیزه های ظاهری و عوامل اجرایی آن میباشند و رنه در ماهیت امر همه از یک بافت واحدی برخوردارند و آن اینکه منزلت و کرامت انسانی را به هیچ میگیرند و خود از بازخواست و روز مبادا هراسی در دل ندارند از این رو خطر فاجعه هرگز کاهش نیافته است ..."

پهلوان پنبه علت و انگیزه قتل هارا میخواهد چنین پرده پوشی نماید که گویا عاملین جنایات منزلت و کرامت انسانی را به هیچ میگیرند و خود از بازخواست روز مبادا هراسی ندارند. این آقا میخواهد جنایات و آدمکشی را از دیدگاه اخلاقی و عاطفی مطرح نماید که گویا اگر عاملین این جنایات منزلت و کرامت انسانی را مد نظر می گرفتند گویا هیچ جنایتی صورت نمی گرفت. در حالیکه اصل مسأله اینست که جنایاتی که در سه دهه اخیر در افغانستان صورت گرفته است بخشی از جنایات رژیمهای نیمه مستعمره و مستعمره افغانستان بوده که با حمایت، تشویق و ترغیب رژیم های امپریالیستی در راس آنها سوسیال امپریالیسم شوروی، امپریالیسم امریکا و قوای ناتو صورت گرفته و میگیرد و منزلت و کرامت انسانی هم در پیش امپریالیست ها بالاتر از منافع و خواست های طبقاتی آن ها نیست و زمانیکه منافع آن ها ایجاب نماید هیچ ارزشی به منزلت و کرامت انسانها قایل نیستند و حاضر اند جهان را بخون بکشند. کسانیکه می خواهند در برابر این جنایات سکوت نموده و یا به شکلی آنرا پرده پوشی و توجیه نمایند معلوم است که کمر به نوکری بسته و دانش و تخصص خویش را در خدمت منافع امپریالیست ها قرار داده اند.

در جای دیگر باز آقای (رحیم) از آقای عزیزالرحمان رفیعی نقل قول میکند: "تمام مسایل در یک جامعه به دور یک محور اصلی، حرکت می کنند که آن عدالت است. شما در جامعه که عدالت ندارید، هیچ ارزش دیگری را نمی توانید بیان کنید. در جامعه که ارزش عدالت پامال بشود، تمام ارزشهای دیگر چه زیر بنایی و چه روبنایی دیگر مفهوم انسانی خود را از دست میدهد. شما به صلح نمی رسید مگر با عدالت، شما به همزیستی نمی رسید مگر با عدالت، شما به توسعه نمی رسید مگر به عدالت .." آقای رفیعی از زاویه دیگری می خواهد جنایات را پرده پوشی نماید مسایل را بسیار ساده می سازد و عدالت را مطرح میکند یعنی اینکه عدالت گره کشای همه مسایل است. در حالیکه همه ارزش عدالت را می فهمند اما با حلواگفتن ذهن شریین نمی شود مسأله اساسی اینست که چطور میتوان عدالت را برقرار نمود؟ دولت که هر روز مرتکب جنایت می شود و به قتل و کشتار مردم می پردازد و دروازه های کشور را چهارتاق به روی امپریالیسم بین المللی و مافیای مواد مخدر باز و به معرض لیلام قرار داده است، می تواند عدالت را تأمین نماید؟ جواب منفی است. مگر نویسنده با اصطلاح دانشمندان ما از دولت دست نشانده (مرکز تجمع خائنین ملی و قاتلان مردم) توقع دارد که عدالت را برقرار سازد. زهی حماقت و نوکر منشی. دولت دست نشانده و حامیان بین المللی آن نه تنها اینکه عدالت را برقرار نمی سازند بلکه بی عدالتی، آدمکشی، کشت و تولید مواد مخدر و جنایت را ادامه داده و به آتش آن هیمة می اندازد.

در جای دیگر آقای دوکتور رسول رحیم به مدح و تعریف داکتر اکرم عثمان پرداخته و مینویسد: "داکتر اکرم عثمان نویسنده سرشناس افغانستان چرائی تمایل به آدمکشی را در فرمانروایان افغانستان از زاویه روانشناختی به تحلیل گرفته میگوید: " تاریخ افغانستان تاریخ دور تسلسل خشونت هاست، زنجیره ی جنایت و زنجیره ی آدمکشی و مظلوم کشی، یعنی چنان وضعیتی از یک طرف تاریخیت معین خود را داشته است و از جانب دیگر محصول بغض و کین آدم های بسیار کوچک و خود نگر بوده است، که وقتی قدرت را بدست گرفته اند، دوبرابر وحشی شده اند دوبرابر آدمکش شده اند. چون دست باز پیدا کرده اند، و با هیچ چیز دیگری متسلی نمی شده اند جز آشامیدن خون هموطن."

آقای داکتر اکرم عثمان تمام قتل و جنایت را محصول بغض و کین آدم های بسیار کوچک و خود نگر میدانند که وقتی قدرت را بدست گرفتند دوبرابر وحشی و آدمکش شده اند. آقای داکتر اکرم عثمان هم مثل برادر تنی اش دوکتور رسول رحیم می خواهد به چشم مردم خاک اندازد و علت این همه قتل ها و جنایات رانه ناشی از سرشت و خصلت طبقات حاکم ارتجاعی و مزدور و قدرتهای امپریالیستی تجاوزگر و غارتگر دشمن خلقها و ملل تحت ستم جهان، بلکه "محصول بغض و کین آدمهای بسیار کوچک میدانند" در حالیکه واقعیت قسم دیگر است. آدمها پیچ و مهره های سیستم های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند. این سیستم ها و دولت هاست که بخاطر منافع پلید شان قتل و قتل های گسترده و دسته جمعی را انجام میدهند. تره کی، امین، ببرک و نجیب یکی از پیچ و مهره های سیستم نکبت بار سوسیال امپریالیستی شوروی بوده اند که مرتکب این همه جنایات در حق مردم افغانستان شده اند. تا زمانی که رژیم های کثیف سرمایه داری و امپریالیستی و نظامهای فئودال کمپرادوری در جهان حکمرانی دارند، تجاوز، غارتگری، قتل و کشتار رکن عمده رژیم های خونخوار امپریالیستی و مزدوران آنها میباشد. اگر عوض تره کی، امین، ببرک و نجیب شخص داکتر اکرم عثمان «آدم بزرگ و دیگر نگر» بجای دوستان کوچک خودنگر و کینه توزاش در مسند قدرت قرار میگرفت عین اعمال آن ها را انجام میداد و نمی توانست خلاف خواست سیستم سوسیال امپریالیستی که در آن قرار داشت حرکت نماید. زمانی استبدادفاشیستی رژیم مزدور خلقی - پرچمی علیه مردم به مرز غیر قابل تحملی رسید مردم علیه آنها شوریدند. زمانی جنایات رژیم مزدور خلقی - پرچمی و بداران بین المللی شان علیه مردم افغانستان گسترده گردید که دولت سوسیال امپریالیستی شوروی در تباری با جاسوسان خلقی - پرچمی اش به افغانستان پیشروانه تجاوز کرد و آنرا به مستعمره خویش تبدیل نمود. زمانی که مردم بر علیه آنها قیام نمودند متجاوزین و نوکران بومی شان بیش از پیش کین توزانه مردم را مورد حملات و وحشیانه قرار دادند. هزاران روشنفکر آزادیخواه را به زندان افکندند و آنها را تیر باران نمودند. قراء و قصبات کشور را به آتش کشیدند. بیش از دویست میلیون انسان را شهید، معلول و معیوب ساختند. هدف این همه جنایات گسترده آن بود که میخواستند با این جنایات و آدمکشی ها خیزشها و قیام های مردمی را سرکوب نموده و مردم آنرا به انقیاد و تسلیم طلبی و ادار سازند چنانکه اکنون دولت دست نشانده کرزی و حامیان بین المللی آن عین کار را انجام میدهند.

سرانجام نتیجه و لب و لباب مقاله داکتر رسول رحیم در نقل و قول اعلامیه کمیسیون حقوق بشر افغانستان ختم می شود. "به خاطر دریافت حقایق و تکریم و احترام به روح قربانیان و متضررین دوران جنگ اقدامات عاجل و ضروری را به منظور تطبیق برنامه عمل جمهوری اسلامی افغانستان برای صلح، عدالت و مصالحه روی دست گیرد." از محتویات و نتیجه گیری مقاله دوکتور رسول رحیم این پهلوان پنبه تسلیم طلب بی مقدار عرصه علم و دانش معلوم میگردد که تمام سعی و کوشش مشارالیه این بوده است که در اخیر از دولت دست نشانده خواهش نماید که اقدامات عاجل و ضروری را به منظور تطبیق برنامه عمل (بخوان برنامه انقیاد - تأکید از نویسنده است). برای صلح، عدالت و مصالحه روی دست گیرد.

راستی که تسلیم طلبی و نوکر منشی از این بیشتر نمی شود میگویند کسی بر روی کسی تف میگرد و او میگفت آب رحمت است. هر روز دولت دست نشانده و حامیان بین المللی آن مرتکب هزاران نوع جنایت و آدمکشی می شوند

ولی داکتر صاحب از آنها «صلح، عدالت و مصالحه ملی» آرزو دارد. داکتر صاحب باید بداند که دیگر حنایش رنگ ندارد. آقای رحیم! در طول بیش از پنج سال وعده و عیدها و آرزوهای شما مبنی بر تحقق دموکراسی همه بر باد رفت. دیگر مردم چهره شما و با داران بین المللی تان را خوب شناخته است و با کلام تملق گونه و بی مفهوم شما خوب آشنائی حاصل نموده اند. برخلاف آرزوهای شما که از دولت دست نشانده «صلح و عدالت» را آرزو دارید. هر روز ابعاد جنایت، جنگ و آدمکشی دولت دست نشانده، طالبان و حامیان بین المللی شان ابعاد گسترده تر کسب می نمایند و شمار ابیستر نزد مردم بی آبرو و بی عزت میسازد.

فوران